

## سخناني چند در مورد نظريات داکتر محمد فرید یونس در رابطه به ديموکراسی، خانواده و تربيه اطفال در جوامع غربی

برادر دانشمند و فاضل گرامی ماستر علوم تاریخی، داکتر علوم جامعه شناسی جناب محمد فرید یونس السلام و علیکم و رحمت الله و برکاته!

بنده سخنرانیهای جناب شما را در شهرها و کشورهای مختلفه ندیده ام، اما برنامه های تلویزیونی تانرا در روزهای معینه اش متواتر تعقیب مینمایم، و از ارشادت و روشننگری های شما در بعضی موارد تا جائیکه در تناقض به دین مبین اسلام، منافع ملی و عنعنات پسندیده افغانی ما نباشد استفاده مینمایم. اما بعضاً از بیانات شما طوری معلوم میشود که جناب شما در بعضی موارد و حالات از روی بسا احساسات سخنان ضد و نقیض نثار بیننده های تان مینمائید، که باعث سردرگمی جوانان و برآشفتگی بزرگان ما میگردد. البته اینهمه احساسات و خوشیهای لحظه ای شما نتیجه چند تلیفون محدود تشویقی چند خواهر آزاده خاطر ما از شوهران بگفته شما "لوده" شان میباشد. البته این بینندگان شما که در محیط غربی و دیموکراسی زندگی می نمایند با استفاده از دیموکراسی بگفته شما (بی ناموسی) و آزادی هائیکه برای شان درین جوامع اعطاء گردیده است شروع به شکایت از زندگی های خود و توصیف و تمجید از شما مینمایند.

در نتیجه همین تعریف ها و تمجید ها کلمات و جملات ناخود آگاه از دهن شما خارج میشود که ترمیم و تلافی آن بعضی اوقات برایتان بسیار مشکل میشود، بطور مثال در یکی از مصاحبه های تان همراه محترم هوتک که از شما سوال کرد که "شما بعضی اوقات فتوا صادر میکنید" و شما در جواب بلادرنگ گفتید بلی و در روز دیگر مسئله شکل دیگر را گرفت و شما گفته خود را نفی قرار دادید. (فتوا نمیدهد).

همچنان در یکی دیگر از برنامه های شما، استفاده کلمه بی ناموسی برای دیموکراسی لغت مناسبی نبود که شما از روی احساسات بکار بردید در عوض شما میتوانستید کلمه بی بند باری را (قرار گفته رول مودل خود شما آغای داکتر علی شریعتی متفکر معاصر از کشور همسایه نه چندان صادق ما ایران) بکار ببرید. که از آن وقت تا بحال تقریباً مدت یکسال میگذرد و شما قادر نشدید تا (تنبانی) برای اشتباه لفظی خود بدوزید تا قناعت همه را حاصل و موقف علمی خود را در جامعه افغانها و جمعیت های دیگر مانند ایرانی ها و تاجیک ها (که شخص خود شما در شروع هر برنامه تان بنام بینندگان تان از آنها نام میبرید) بدست بیاورید.

مسئله دیگر اینکه جای بسیار تأسف است که جناب شما جامعه افغانی و دیگر جوامع مهاجر را که دختران و زنان شان با لباس های نسبتاً نیمه عریان که در شأن یک زن مسلمان و افغان نیست در محافل اشتراک می ورزند، در برنامه های تان مکرراً متهم به بی ناموسی میدارید. و مثال ارائه میدارید که در خیرخانه یکدیگر را افغانها به کارد و چاقو میزدند اما امروز درین جوامع بی ناموس شده اند. فکر نمیکنید که کلمه بسیار جنجال برانگیز را نثار هموطنان خود نمودید، کلمه ای که در خور دانش و لیاقت یک داکتری که از امریکا دوکتورا گرفته باشد، نبود و میتوانستید بدیلی بان بیاورید.

مطابق اظهارات خود شما که درین جامعه متأسفانه دختر و یا پسر بزرگ نکرده اید ورنه شما هم درین کتگوری شامل میبودید و امکان نداشت که دختران شما از پوشیدن این لباسها و پسران تان از انداختن گوشواره محروم می ماندند، و معلوم نیست که شما چه چاره و بدیلی برایش داشتید؟ آیا ایشان را از خانه می کشیدید و یا آق میکردید؟ که فکر میکنم هر دو انتخاب از نظر شخص منوری مانند شما دور از تعقل است. مگر جناب شما الحمدلله صاحب خواهرزاده و برادرزاده ها هستید، آیا این قضایا در قسمت آن نورچشمی ها صدق نمیکند؟ و یا آنها همه زیر چادر (بی بی) هستند؟ در ضمن قابل تذکر میدانم که سحبه جان بتاریخ ۱۶ جنوری ۲۰۱۱ از شما یادآوری کرد "که باتأسف فرید یونس لباسهای مردم را کنترل و مورد انتقاد قرار میدهد، اما رقص های مقبول زنان و دختران را از زیر دل تماشا میکند، و زمانیکه به تلویزیون میآید سخن از دیموکراسی و بی ناموسی میزند".

دپانو شمیره: له ۱ تر 3

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادښت: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

در یکی دیگر از برنامه های تان شما فرمودید که اطفال بعد از اینکه سن قانونی را به این کشورهای غربی تکمیل میکنند مجبور نیستند که مطابق میل والدین زندگی کنند، و والدین هم باید "پشت شان را ایلا" کنند و بگذارند تا راه خود را پیدا کنند و به اصطلاح شما "بچه ننه نباشین" نمیدانم که شما این درفشانی را فهمیده نمودید و یا اینکه تقلید از غربی ها کردید. شما که مزه اولاد بزرگ نمودن را نچشیده اید پس چطور میتوانید ناصح و مشاور خوب و مفید به دیگران باشید و از کجا میدانید که اطفال را چگونه درین جوامع تربیه کرد. البته با حفظ احترام به تحصیلات و استادی شما اما پدر نبودید ایکاش شما چند فرزند اعم از پسر و دختر درین جوامع بثمر میرساندید، بعدا می فهمیدید که اولاد کلان کردن چیست و به اصطلاح وطنی ما و شما (یکنان چند فطیر است) و یا به اصطلاح (بوبو)های ما و شما که می گفتند "اولاد کلان کردن مثل یک شهر آباد کردن است"

در برنامه دیگر گفتید که اگر والدین به اصطلاح ما و شما کلمه (آق) را به اولاد خود ذکر کنند از نظر شما یک چیز بی مفهوم و خنده آور است و جمله انگلیسی را استفاده کردید: (هو کییرن) آیا این نوع طرز صحبت مناسب بود که شما بکار بردید؟ آیا همین طرز صحبت از ذهن شخصی مانند شما چه انگیزه ای در بین جوانان خلق کرد و جوانان چه الهام گرفتند؟ پس بیائید حالا خود قضاوت کنید که آیا همین درافشانی شما بی احترامی و غیره خصایل بد که شایسته جوانان افغان نیست مقابل والدین را دو چند ساخت؟ پس چطور میگوئید که دیموکراسی اساس خانواده ها را خراب میسازد در حالیکه زهری را که شما پاشیدید قویتر از دیموکراسی "بی ناموسی" بود. بلی اگر دیموکراسی یعنی آزادی انسان به شیوه درست استفاده نگردد و انسانها که خلیفه خداوند در روی زمین هستند خانواده را چه، که دنیا را خراب میکنند. (باسخنان ناسنجیده)

البته هدفم از ارائه این نوشته اینست که سخنان ضد و نقیض جناب شما در باره دیموکراسی، تعلیم و تربیه اطفال، وضعف و ناتوانی والدین که از جبر روزگار مهاجر این ملک ها شده اند، راه حل مشکل نیست، برعکس قلب هزاران پدر و مادر را شدیداً جریحه دار میسازد. باز هم خاطر نشان میسازم که اگر اولادی درین جوامع بزرگ می نمودید هرگز این کلمات ضد و نقیض خود را پیشکش دیگران نمیکردید.

در ضمن باید یاد آور شوم که هموطنان عزیز ما بیصبرانه منتظر شواهد و ثبوت عالمانه، منطقی و مستند شما در مورد دیموکراسی (بی ناموسی) هستند زیرا وعده شما بعد از رمضان شریف بود اما حال که دیده میشود (کرسمس) هم گذشت. امید وارم دلایل تان مثل چند دلیل ناقصیکه در برنامه سجبیه جان ارائه کردید نباشد، زیرا آن دلایل توأم با خنده و به اصطلاح عوام شانه خالی کردن بود.

جناب داکتر صاحب در برنامه تکراری روز شنبه مورخ ۲۲ جنوری ۲۰۱۱ تان فرمودید "که همه داکتران و پروفیسوران ما گول دیموکراسی را خورده اند"، در ضمن گفتید که " اینها چه خوبی در دیموکراسی دیده اند که در اسلام ندیده اند" اما مشخصاً نگفتید که دیموکراسی در کجا و در کدام مملکت؟ اگر هدف تان جوامع غربی و غیر اسلامی است، متأسفانه رژیم و ساختار این جوامع بر اساس همین دیموکراسی "بی ناموسی" گذاشته شده است و داکتران، علما و پروفیسورهای ما بشمول جناب شما که در همین جوامع زندگی میکنند تحصیلات عالی نمودند از آب و هوای گوارا، از نعمات و خوبی های این ممالک استفاده می نمایند توان و قدرت تغییر دادن این رژیم را ندارند. و اگر هدف تان جوامع اسلامی است متأسفانه درین جوامع نه اسلامی وجود دارد و نه دیموکراسی، در حالیکه اساسات اسلام عزیز بر دیموکراسی اسلامی گذاشته شده است و به قول خود شما (آزادی قلم و آزادی بیان) که متأسفانه هیچ یک آن در پیشرفته ترین کشور اسلامی دیده نمیشود. بناءً لازم می افتد که شما باید یک مهاجرت دیگر بسوی جوامع اسلامی کنید و از اندوخته های علمی ای که درین جوامع دیموکراسی "بی ناموسی" بدست آورده اید آنها را مستفید بسازید خداوند کریم است که کشورهای اسلامی حد اقل عدالت انسانی و اسلامی را در بین اتباع خود تأمین بدارند و اگر نصایح شما کدام تاثیری نکرد و شما را مورد اذیت و آزار قرار دادند، آنگاه قدر همین دیموکراسی "بی ناموسی" برایتان معلوم خواهد شد.

جناب داکتر صاحب فکر میکنم شما کلمه دیموکراسی را با کلمه امپریالیزم و کپتالیزم به اشتباه میگیرید. این امپریالیزم جهانخوار یعنی سیستم قوانین کشورهای قوی و ثروتمند است که کشورهای ضعیف را کنترل مینمایند، عدالت اجتماعی را نقض و تبعیض را بوجود میآورند، سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن، استثمار فرد از فرد، سود گرفتن، اسراف و امثالهم را در جوامع ترویج و تطبیق میدارند اما دیموکراسی واقعی یک سیستم سیاسی است که جمهور مملکت از طرف مردم انتخاب و در خدمت مردم قرار می گیرد و جزء اساسات زندگی بشری است قسمیکه در زمان خلفای راشدین این سیستم رائج بود.

محترم فرید یونس قسمیکه در شروع متذکر شده ام که بنده تا اندازه ای در بعضی موارد با نظریات شما موافق هستم، بطور مثال آوردن و تطبیق قبل از وقت دیموکراسی (مردم سالاری- دینی) بگفته خمینی رهبر مذهبی آخند های ایران) در کشورهای جهان سوم از جمله افغانستان جز خطا چیز دیگری نیست.

اما در کشورهای دیموکراسی و پیشرفته دنیا که دین مبین اسلام دین قابل قبول و مروج نمیشد، و هر کدام از این ممالک از ۱۰۰ الی ۳۰۰ سال درین راه مبارزه کرده و زحمت کشیده اند تا باین سیستم به ادعای خود شان انسانی دست یافته اند، انتقاد کردن و یا بی ناموس خطاب نمودن جز ضیاع وقت و تظاهر چیز دیگر نیست.

قابل یاد آوریست که شما خود یک مشوق خوب جوانان در قسمت کسب تحصیل هستید البته تحصیل ایکه با پول قرضه همین جوامع و کشورهای دیموکراسی (بی ناموسی) با سود زیاد (که شما آنرا هم روا دانستید) میسر است و خود شما و هزاران هموطن ما ازین خوبی ها اگر اضافه نگویم نعمات مستفید شده اند، همچنان شخص خود شما روزیکه درین مملکت مهاجر شدید و بیصبرانه انتظار تابعیت این ملک را دقیقه شماری می کردید، تااینکه زمان فرا رسید و افتخار تابعیت امریکا رادریافت نمودید، و اینرا هم دور از حقیقت میدانم که جناب تان سوگند وفاداری به نظام و سیستم سیاسی اینکشور با دست ماندن بالای کتاب مقدس ما (قرآن مجید) یاد نکرده باشید. پس نباید اینقدر نمک حرام باشیم و کفران نعمت و خوبی هائیکه برضایت خداوند(ج) برای ما و شما درین کشورها میسر شده است نمائیم.

در اخیر داکتر صاحب نظر و پیشنهاد بنده برای تان اینست که کوشش کنید تا به نظریات و پیشنهادات مثبت، ملی و متمر خود بیافزائید تا مقام والاتر ازین در قلوب همه کسب و مورد توجه همگانی مردم خود قرار بگیریید، نه اینکه یکعده محدود شما را پسند کنند. (به اصطلاح عوام از سر خر شیطان پائین شوید)

والسلام